

سلسلهٴ من یرد الله به خیراً یفقهه فی
الدین (۱۳)

عقیدهٴ
أهل سنت و جماعت
تألیف:

ترجمه

إسحاق بن عبدالله دیري

ماه مبارك رمضان ۱۴۲۲ هـ . ق

آذر ماه ۱۳۸۰ هـ . ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وبه نستعين وصلى الله على محمد وآله
وصحبه أجمعين .

٤

إسحق بن عبد الله بن محمد ديري
رياض - شعبان ١٤١٩ هـ . ق

۳	فهرست مطالب
۱۰	تقدیم
۱۲	مقدمه مؤلف
	عقیده ما: ایمان به خدا ... ایمان به ربوبیت والوہیت
۱۵	واسما وصفات و یگانگی خداوند در آن
۱۶	آیة الكرسی
۲۳	عالم و آگاہ بودن و سخن گفتن باریتعالی
۲۸	خداوند بر عرش
	کفر و گمراہی کسی کہ بگوید: خدا با خلق در
۳۰	زمین است
	نزول خدا بہ آسمان دنیا و آمدن خدا در روز
۳۰	محشر برای قضاوت بین بندگان

- ۳۲ اراده جهانی و اراده شرعی
- مراد و خواست خدا چه جهانی و چه شرعی
- ۳۴ تابع و پیرو حکمت اوست
- ۳۶ محبت، خشنودی، کراهت، خشم، غضب خداوند
- ۴۱ صورت و رخسار و دو دست و دو چشم خداوند
- دیدن مؤمنین خدای خود را بی آن که چشم، او
- ۴۲ را ادراک و احاطه کند
- ۴۳ خدا را از مثل و مانند مبرا دانستن
- دور دانستن خدا از کسالت خواب و خواب رفتن
- ۴۴ و ظلم، غفلت، ناتوانی، خستگی و فرسودگی
- ۴۶ ثابت کردن ذات خداوند بدون شباهت و چگونگی
- سکوت در آن چه خدا و رسولش از آن
- ۴۶ سخن نگفته اند

- پیروی از راه و روش رسول و بیان آن ۴۶
- استناد مؤلف در اثبات یا نفی، بر قرآن و سنت
- پیامبر و امامان اهل سنت ۴۸
- کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن حمل کردن و دوری از راه گمراهان و تأویل کنندگان و غلو کنندگان در کتاب خدا ۴۸
- قرآن و سنت، حق و حقیقت است ۴۹
- هیچ نقض و اختلافی در قرآن و سنت وجود ندارد ۴۹
- مدعی نقض و اختلاف در قرآن و سنت، گمراه است ۵۰
- فکر و ادراک ناقض قرآن و سنت، کم است ۵۱
- فصل: ایمان به فرشتگان ۵۳
- هر يك از فرشتگان بر اعمالی گماشته شده اند ۵۶
- بیت المعمور ۵۸

- ۵۹ فصل: ایمان به کتاب های خدا
- ۵۹ ایمان به اینکه بر هر پیامبری کتابی نازل شده است
- ۶۰ کتاب های ظاهر و آشکار
- قرآن، شاهد و گواهی صادق بر کتابهای آسمانی
- ۶۲ پیشین و محفوظ به حفظ خداست
- ۶۸ فصل: ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها
- ۶۸ اولین و آخرین پیامبران
- ۶۹ برترین پیامبران
- ۷۰ فضیلت دین محمد بر ادیان دیگر
- پیامبران، بشر و مخلوق خدا هستند و صفت
- ۷۱ عبودیت و پرستش ندارند
- شریعت محمد آیین اسلام است که خدا به
- ۷۶ آن راضی است

هر کس ادعا کند که خداوند، دینی غیر از اسلام

۷۷ می پذیرد، کافر است

کافر به رسالت محمد ، به تمامی پیامبران

۷۸ کافر است

هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد نیست

و کسیکه ادعای نبوت کند یا ادعاکننده را

۷۹ باور کند، کافر است

خلفای راشدین: بهترین و شایسته ترین آن ها

۸۰ به خلافت

۸۰ فضیلت بعضی از خلفا بر بعضی دیگر

۸۱ امت محمدی بهترین امت هاست

۸۲ گروه همیشه بر حق

آن چه بین صحابه از جنگ و اختلاف رخ داد، از

۸۳	روی اجتهاد بود
۸۳	نباید از بدی صحابه سخن گفت
۸۵	فصل: ایمان به روز آخرت
۸۵	ایمان به حشر و نامه و ترازوی اعمال
۸۹	شفاعت خاص و عام
۹۱	حوض رسول الله و پل صراط
۹۳	ایمان به بهشت و دوزخ
۹۶	بهشتیان و دوزخیان
۹۷	ایمان به سختی، عذاب و خوشی قبر
۱۰۰	امور غیبی با امور دنیوی تناقضی ندارد
۱۰۱	ایمان به قضا و قدر
۱۰۱	مراتب ایمان به قضا و قدر
۱۰۵	اختیار و مشیت و قدرت عمل بنده

- ۱۰۵ پنج دلیل بر اختیار انسان
- ۱۰۹ گناهکار هیچ حجت و دلیلی ندارد
- ۱۱۴ شر نزد خدا شر نیست، چون قضای او مطلق است
- ۱۱۴ شر در آن چه قضا کرده، وجود دارد
- ۱۱۷ فصل: فایده های این عقیده والا
- ۱۱۷ فواید ایمان به خدا
- ۱۱۸ فواید ایمان به فرشتگان
- ۱۱۹ فواید ایمان به کتاب های خدا
- ۱۲۰ فواید ایمان به پیامبران
- ۱۲۱ فواید ایمان به روز آخرت
- ۱۲۱ فواید ایمان به قضا و قدر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده
وعلى آله وصحبه، أما بعد:

نوشته علامه بزرگ شیخ محمد بن صالح العثیمین را
دیدم و مطالبش را که در عین اختصار بسیار مهم بود
خواندم، و مشتمل بود بر بیان عقیده اهل سنت و
جماعت در باب توحید خدا و توحید اسما و صفات او، و
نیز ایمان به فرشتگان و کتاب ها و پیامبران و روز آخرت
و قضا و قدر.

پی بردم که در گردآوری مطالب مذکور، موفق عمل
کرده است؛ چنان که مسایل مورد نیاز در باره خدا،
فرشتگان، پیامبران، کتاب ها، روز آخرت، و قضا و قدر
را به خوبی بیان کرده، همچنین مطالب مفید مربوط به

این عقاید را بر آن افزوده در حالی که ممکن است در کتب
عقیده دیگر نباشد

خدا او را پاداش نیک دهد، و علم و هدایت به او
عطا کند، و فواید این کتاب و سایر کتاب های او را به
همگان برساند، و ما را از هدایت شدگان و دعوت
کنندگان به سوی حق به وسیله علم و دانش و بصیرت
بگرداند، إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه

قاله مملیه الفقیر الی الله تعالی:

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز ساعده الله،

الرئیس العام لإدارات البحوث العلمیه والإفتاء

والدعوه والإرشاد

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلاَّ
على الظالمين، وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له،
الملك الحق المبین، وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله خاتم
النبیین وإمام المتقین، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه
ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

خداوند متعال پیامبر خود محمد را برای هدایت
به دین حق فرستاد. او رحمتی است برای جهانیان و
پیشوا، و حجتی برای همه بندگان. از طریق او و
فرستادن قرآن و سنت، عقاید صحیح، کردار نیک،
اخلاق شایسته، آداب برجسته و عالی را بیان کرده است
که صلاح و درستی احوال بندگان در دین و دنیا در آن

نهفته است .

پس پیامبر امت خود را بر راه مستقیمی رها کرد
که شب آن همانند روز روشن، آشکار و واضح است، و
بعجز گمراهان کسی از آن راه منحرف نمی شود .
صحابه و تابعین و کسانی از امت پیامبر همین راه را به
نیکی پیروی نمودند، آنها کسانی هستند که ندای خدا و
رسول خدا را پاسخ گفتند و بهترین انسان ها هستند،
کسانی هستند که بر شریعت وی در ساحه عقیده، عبادت،
اخلاق، آداب پایدار ماندند و به سنت او چنگ زدند و
تمسک ورزیدند، پس آنها رستگاران هستند که همیشه بر
حق اند و مخالفت هیچ کس به آن ها ضرر و زیان نمیرساند
تا برپا شدن روز قیامت آن برحق پایدار خواهند بود.

ما نیز - الحمد لله - راه و روش آن ها را که با قرآن و سنت تایید شده است دنبال میکنیم و خدا را بر نعمت هایش شکر و سپاس می گوئیم، و از خداوند خواستاریم تا ما و مسلمانان را با قول ثابت در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه دارد، رحمت خود را بر ما فرو فرستد؛ چرا که او بسیار بخشنده است.

به جهت اهمیت این موضوع - با وجود اختلاف نظر مردم درباره این موضوع - دوست داشتم به طور مختصر عقیده ما - عقیده اهل سنت و جماعت - ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب ها، پیامبران، روز آخرت و قضا و قدر را به نگارش در آورم.

از خداوند متعال خواهانم آن را خالصانه مورد رضا و خشنودی خود و سودمند برای بندگان خود قرار دهد.

()

۱ - عقیده ما: ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب ها، پیامبران خدا، روز آخرت، قضا و قدر و خیر و شر است.

()

۲ - ایمان می آوریم به خدای تعالی؛ یعنی، او تربیت کننده، خالق، مالک و تدبیر کننده تمام کارهاست.

۳ - ایمان می آوریم به الوهیت خداوند بزرگوار؛ یعنی اوست پروردگار بر حق و هر خدایی غیر از او باطل است .

۴ - ایمان می آوریم به نام ها و صفت های باریتعالی؛ یعنی، نام های نیک، و صفت های عالی و کامل، مخصوص اوست .

۵ - ایمان می آوریم به یکتایی او، یعنی این که: خدا یکتاست و در پروردگاری، نام ها و صفتها هیچ شریکی ندارد .

باریتعالی میفرماید: ﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾ (مریم ۶۵)
 [اوست پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو قرار دارد، پس تنها او را پرستش کن، و در عبادت او شککیا باش، آیا مثل و مانندی برای او (خداوند) می شناسی؟].

۶ - ایمان می آوریم به این که: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ

أَيَّدِيهِمْ وَمَا خَلَفَهُمْ^ط وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا
 شَاءَ^ج وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ^ط وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا^ج
 وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿البقرة ٢٥٥﴾.

[اوست خداوند و هیچ معبودی جز او نیست.
 خداوندی که زنده و قائم به ذات خویش است،
 و (موجودات دیگر عالم، قائم به او هستند). هیچگاه
 خواب سبک و سنگین او را فرا نمی گیرد. برای اوست
 آنچه در آسمانها و زمین است. کیست که در نزد او جز
 به فرمانش شفاعت کند. آنچه را پیش روی آنها (بندگان)
 و پشت سرشان است می داند از گذشته و آینده آنان
 آگاه است. آنها فقط به مقداری که خدا بخواهد صاحب
 علم و دانش می گردند. کرسی او آسمانها و زمین را در

بر گرفته و حفظ و نگاهداری آسمان و زمین برای او
گران نیست و او بلند مرتبه و با عظمت است].

۷ - ایمان میآوریم به این که: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۖ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَمْلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ﴾ (الحشر ۲۲-۲۴).

[او خدائی است که معبودی (بحق) جز او نیست،
دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است.
او خدائی است که معبودی (بحق) جز او نیست. حاکم

و مالك اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، (و همه از ناحیه او در سلامتند)، امنیت بخش است، مراقب (همه چیز) است، او قدرتمندی شکست ناپذیر است، بزرگوار و شکوهمند، و شایسته عظمت است، خداوند منزّه است از آنچه شريك برای او قرار میدهند، او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)، برای او نامهای نيك است، و آنچه در آسمانها و زمین است او را تسبیح می گویند، و او عزیز و حکیم است].

۸ - ایمان می آوریم به این که: برای اوست ملك آسمانها و زمین ﴿سَخَّلُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّشَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الْذُّكُورَ﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ

عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿الشوری ۴۹-۵۰﴾.

[هر چه بخواهد می آفریند، به هر کس که اراده کند دختر می بخشد، و به هر کس که بخواهد پسر. یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - به آنها می دهد، و هر کس را بخواهد عقیم و بی فرزند می کند، او دانا و قادر است].

۹ - ایمان میآوریم به اینکه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱۱﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿الشوری ۱۱-۱۲﴾.

[هیچ چیزی مانند او نیست، و او شنوا و بینا است. کلیدهای آسمانها از آن او است، روزی را برای هر کس که بخواهد گسترش می دهد، و (برای هر کس بخواهد)

تنگ و محدود می سازد. او به همه چیز دانا است].

۱۰ - ایمان می آوریم به این که: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (هود ۶).

[هیچ جنبنده ای در روی زمین نیست مگر این که رزق و روزی آن، بر عهده خدا است، و قرارگاه او را می داند، و از نقاطی که از قرارگاهش به آن منتقل میشود (نیز) می داند، و در هر جا که باشد روزیش را به او میرساند. تمام این حقایق (با همه حدود و مرزهایش) در کتاب مبین و لوح محفوظ علم خداوند وجود دارد].

۱۱ - ایمان می آوریم به این که: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ

مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَةٍ إِلَّا عِلْمُ اللَّهِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا
يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿الأنعام ۵۹﴾.

[کلیدهای غیب (یا خزانه های غیب) همه در نزد
خدا است، و جز او کسی آنها را نمی داند، آنچه در برّ
(خشکی) و بحر (دریاها) است خدا می داند، هیچ برگی
(از گیاهی و درختی) جدا نمی شود، مگر این که آن را
میداند، و هم چنین هیچ دانه ای در دل زمین قرار نمی
گیرد، مگر این که تمام خصوصیات آن را می داند، هیچ
تر و خشکی نیست، مگر این که در کتاب مبین (در مقام
علم پروردگار) ثبت است].

۱۲ - ایمان می آوریم به این که: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ
السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ

مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿لقمان ۳۴﴾.

[فقط خداوند از فرارسیدن روز قیامت با خبر است، و او است که باران را نازل میکند، (و نیز) آنچه در رحمهای (مادران) است میداند، و هیچ کسی نمی داند فردا چه چه به دست می آورد، و هیچ کسی نمی داند که در چه سرزمینی می میرد، قطعاً خداوند عالم و آگاه است].

۱۳ - ایمان می آوریم به اینکه: باری تعالی سخن میگوید با هر چیز، و هر زمان، و هر گونه که بخواهد: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ (النساء ۱۶۴).

[و خدا با موسی (بدون واسطه) و حقیقتاً سخن

گفت (این آیه صفت کلام برای خدا چنانکه به جلال خدا لایق است می‌رساند (مترجم)).

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ﴾ (الأعراف ۱۴۳).

[هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت].

﴿وَنَنْدِيْنَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ الْأَيْمَنِ وَفَرَّقْنَاهُ يُحْيَا﴾ (مریم ۵۲).

[و ما او را از طرف راست کوه طور، فرا خواندیم و او را نزدیک ساختیم و با او سخن گفتیم].

۱۴ - ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا

لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي﴾ (الکھف ۱۰۹).

[اگر دریاها برای نوشتن کلمات پروردگارم، مرکب شود، دریاها پایان میابد پیش از آن که کلمات

پروردگارم پایان گیرد].

﴿ وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ
بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَنْحَارٍ مَا نَفَذْتُ كَلِمَتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴾
(لقمان ۲۷).

[و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای
آن مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود اینها
همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی گیرد،
خداوند عزیز و حکیم است].

۱۵ - ایمان می آوریم به این که: کلمات و سخنان خدا
کامل ترین کلمات و سخنان است، صادق در اخبار،
عادل در احکام، و نیکو در گفتار؛ چنان که باری تعالی
میفرماید: ﴿ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ﴾ (الأنعام ۱۱۵).

[کلام پروردگار تو، با صدق و عدل تکمیل شد].

و میفرماید: ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ (النساء ۸۷).

[و کیست که راستگوتر از خدا باشد].

۱۶ - ایمان میآوریم که قرآن کریم، کلام خدایتعالی

است، در آن از روی حقیقت، سخن گفته است و آن را

به سوی جبریل فرو فرستاده، سپس جبریل آن را

بر قلب رسول الله نازل کرده است؛ چنان که

میفرماید: ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ﴾ (النحل ۱۰۲).

[بگو که این آیات را روح القدس؛ (جبریل) از

جانب پروردگارت، بر حق نازل کرده است].

و می فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ نَزَلَ بِهِ

الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۶﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۷﴾ بِلِسَانٍ

عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿الشعراء ۱۹۲-۱۹۵﴾.

[و این (قرآن) از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است. آن را روح الامین (جبریل از سوی خداوند). بر قلب تو نازل کرده است تا از انداز کنندگان باشی. به زبان عربی آشکار نازل کرد].

۱۷ - ایمان می آوریم به این که: خدای بزرگوار، به ذات و صفت خود، بر خلقش برتری دارد؛ چنان که می فرماید: ﴿وَهُوَ أَلْعَلُّ الْعَظِيمُ﴾ (البقرة ۲۵۵).

[او (خداوند) بالا و بلند مرتبه و با عظمت است].
و می فرماید: ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام ۱۸).

[خداوند فوق بندگان و غالب بر آنان، و با حکمت

و آگاه است (از همه امور جهان و جهانیان) .

۱۸ - ایمان می‌آوریم به اینکه او: ﴿ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ﴾ (یونس ۳).

[پروردگار آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس

بر عرش قرار گرفت (اوست که) تدبیر امور می‌کند].

قرار گرفتن خدا بر عرش، علُو و برتری بر آن با ذات

مقدس خود، خاص و شایسته جلال و عظمت خداوندی

است و هیچ کس بجز خدا چگونگی آن را نمی‌داند .

۱۹ - ایمان می‌آوریم به این که: خدای تعالی با خلق

خود است، و بر عرش قرار دارد، احوال آن‌ها را میداند،

گفتارشان را می‌شنود، کارهای آن‌ها را می‌بیند و امور

و شؤون آن‌ها را تدبیر می‌کند؛ فقیر را رزق و روزی

میدهد، هر کس را بخواهد عزتِ مُلک و سلطنت
 میبخشد، و از هر که بخواهد میگیرد، به هر که بخواهد
 عزت و اقتدار می بخشد، و هر که را خواهد خوار و
 ذلیل می گرداند، هر خیر و نیکی، به دست اوست، و
 تنها او بر هر چیز تواناست .

و آن ذاتی که دارای چنین مرتبه و مقام است، او
 حقیقتاً با آفریدگانش همراه است، با آنکه در حقیقت
 بالای آنها بر عرش خود قرار دارد؛ چنان که میفرماید:
 ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (الشوری ۱۱).

[آن (خدای یکتا) را هیچ مثل و مانندی نیست، و او
 (به کردار بندگان)، شنوای بیناست] .

و ما عقیده گروه حلولیه مانند جهمیه را نمی پذیریم

که می گویند: خدا در همه چیز حل شده است؛ که میگویند: «خدا با خلقتش در زمین است» بر این باوریم که هر کس این چنین بیندیشد، کافر و گمراه است؛ زیرا خداوند را به نقائص و عیب هایی توصیف کرده است که شایسته او نیست.

۲۰ - ایمان می آوریم به آن چه رسول الله خبر داده است که: خداوند متعال، هر شب به آسمان دنیا فرود میآید آن گاه که يك سوم شب، باقی مانده باشد و میفرماید: «من یدعوني فاستجب له، من یسألني فأعطيه، من یتغفرني فأغفر له» . [متفق علیه].

چه کسی مرا دعا می کند تا او را اجابت کنم، و چه کسی از من پرسشی دارد تا به او عطا نمایم، چه کسی از

من آمرزش می خواهد تا گناهان او را ببخشایم .

۲۱ - ایمان میآوریم که: خداوند باریتعالی روز قیامت

برای فصل^(۱) و حکم کردن بین بندگان میآید؛ چنان که

میفرماید: ﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۖ وَجَاءَ رَبُّكَ

وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا ۖ وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ

الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرُ﴾ (الفجر ۲۱-۲۳).

[چنان نیست (که دنیا طلبان می پندارند)، در آن هنگام

که زمین سخت در هم کوبیده شود، و آن هنگام که

باریتعالی آید و فرشتگان، صف در صف، (به عرصه

محشر) آیند. و آن روز، جهنم آورده شود و همان روز

آدمی متذکر (کار خود) گردد و آن تذکر، چه سود به

(۱) جدا کردن حق از باطل.

حال او بخشد].

۲۲ - ایمان می‌آوریم به این که: خداوند: ﴿فَعَالٌ لِّمَا

يُرِيدُ﴾ (البروج ۱۶). [و آنچه را می خواهد انجام می دهد].

۲۳ - ایمان می آوریم که: باری تعالی دو نوع اراده دارد:

الف - اراده کونی (متعلق به کائنات): این که مراد و

خواست او باید واقع گردد^(۱) و لازم نیست که آن مراد

(آنچیزی که طبق اراده کونی واقع می گردد) برای او

محبوب و دوست داشتنی باشد؛ و این نوع اراده را مشیت

نیز گوید، چنان که می فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَتَلُوا

وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ (البقرة ۲۵۳).

(۱) یعنی تقدیر و سرنوشتی که خداوند بر بندگان خود تعیین کرده است و ناگزیر

باید این سرنوشت و تقدیر واقع گردد. مانند حوادث و رویدادهایی که در جهان

هستی رخ می دهد - مترجم.

[و اگر می خواست، هرگز آنها با یکدیگر جنگ نمیکردند، ولی خداوند آن چه را که اراده کرده (و بر طبق حکمت و هماهنگی با هدف آفرینش انسان است و آن آزادی اراده و مختار بودن است) انجام می دهد].

و می فرماید: ﴿إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغَوِّكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ﴾
(هود ۳۴).

[هرگاه خدا بخواهد شما را گمراه و هلاک کند، او پروردگار شماست].

ب- اراده شرعی (متعلق به اوامر و نواهی): و حتمی نیست که مراد وی طبق این اراده واقع گردد، ولی مراد خداوند در این جا محبوب است^(۱)؛ چنان که می فرماید:

(۱) محبوب است یعنی خدا آن را دوست دارد، با این حال لازم نیست که واقع گردد مثل شخص کافر؛ خدا دوست دارد که او مسلمان باشد ولی مسلمان نیست مترجم.

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ﴾ (النساء ۲۷).

[و خدا می خواهد شما را ببخشد].

۲۴ - ایمان میآوریم به اینکه: مراد و خواست خدا چه

کونی و چه شرعی بر اساس حکمت اوست.

پس، خداوند وقوع هر چیزی را که اراده کرده و یا شرعاً بندگان را به آن مکلف نموده باشد، همه آن ها، طبق اوست، چه ما به حکمت آن پی ببریم، و یا عقل و فهم ما از درک آن قاصر باشد؛ چنان که میفرماید: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ (التین ۸).

[آیا خداوند بهترین حکم کنندگان و داوران نیست].

و میفرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾

(المائدة ۵۰).

[و چه کسی بهتر از خدا، برای کسانی که یقین دارند
حُکم فرماست؟].

۲۵ - ایمان میآوریم که: خداوند، دوستان خود را
دوست دارد و دوستان خدا او را دوست دارند؛ چنان که
میفرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾
(آل عمران ۳۱).

[بگو (ای پیامبر!) اگر خدا را دوست می دارید، از
من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد].

و میفرماید: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾
(المائدة ۵۴).

[خداوند در آینده جمعیتی را (برای حمایت از این آیین)
بر می انگیزد که هم خدا آنها را دوست دارد، و هم آنها
خدا را دوست دارند].

و میفرماید: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران ۱۴۶).

[و خداوند، صابران را دوست میدارد].

و میفرماید: ﴿وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾

(الحجرات ۹).

[و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشیگان را

دوست می دارد].

و میفرماید: ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة

۱۹۵).

[نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست میدارد].

۲۶ - ایمان میآوریم به این که خدایتعالی آن چه از

کردار و گفتار، حکم فرموده، به آن راضی و خشنود

است و آن چه از آن نهی کرده، آنرا بد میبیند؛ چنانکه

میفرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ

لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ ﴿ (الزمر ۷).

[اگر کفر بورزید، خداوند از شما بی نیاز است. او هرگز کفر ورزیدن بندگانش را نمی پسندد، و اگر شکر او را به جا آورید آن را برای شما می پسندد].

و میفرماید: ﴿ وَلَٰكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴾ (التوبة ۴۶).

[خدا از شرکت آنها در میدان پرافتخار جهاد کراهت دارد لذا (توفیق خود را از آنها سلب کرده و) آنان را از حرکت باز داشته است و به آنها گفته شد با قاعدین (کودکان و پیران و بیماران) بنشینید].

۲۷ - ایمان میآوریم به این که خدا از کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح و نیک انجام دادند، راضی و

خشنود است؛ چنان که میفرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ (البینة ۸).

[هم خداوند از آنها خشنود است، و (هم) آنها از خدا خشنودند. و این برای کسی است که از پروردگارش بترسد].

۲۸ - ایمان می‌آوریم به این که خدایتعالی بر کسانی که سزاوار عِقَاب [و عذاب] هستند، مانند کافران و غیر آنها، خشم و غضب می‌گیرد؛ چنانکه میفرماید: ﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَرْبُ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ (الفتح ۶).
[و آنانیکه به خدا بد گمان بودند، روزگار بد (و هلاکت) بر آنان باد، و خشم خدا بر آنان باد].

و میفرماید: ﴿وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ

غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿النحل ۱۰۶﴾.

[لیکن کسی که دلش آکنده از کفر شود خشم خدا آنها را فرا می گیرد و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست].

۲۹ - ایمان می آوریم به این که خدا دارای چهره ای آراسته به عظمت و بزرگی و انعام و احسان است:

﴿وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن ۲۷).

[و باقی خواهد ماند چهره پروردگارت که آراسته به عظمت و انعام است].

۳۰ - ایمان می آوریم به این که خداوند دارای دو دست گرامی و عظیم و بزرگ است چنان که میفرماید: ﴿بَلَّ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾ (المائدة ۶۴).

[بلکه دو دست او گشاده بوده، هر گونه بخواهد

انفاق میکنند].

می فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (الزمر ۶۷).

[آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه و آسمان ها پیچیده در دست راست اوست. خداوند منزّه و بلند مقام است از شریک هایی که برای او می پندارند].

۳۱ - ایمان میآوریم به این که برای خدایتعالی دو چشم حقیقی است؛ چنان که میفرماید: ﴿وَأَصْنَعُ الْفُلُكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا﴾ (هود ۳۷).

[و کشتی را با وحی ما و زیر نظر ما بساز].

و چنان که رسول اکرم میفرماید: «حجابه النور
لو كشفه لأحرقت سبحات وجهه ما انتهى إليه بصره
من خلقه». [الدارمی].

«حجاب خدا نور است، اگر آن را ظاهر و آشکار
کند جلال و عظمت و روشنایی چهره اش، (تمامی) آن
آفریدگانش را که چشمش به آن رسد می سوزاند» .
اهل سنت و جماعت، همگی بر این قولند که چشمان
خدای متعال دوتا است؛ چنان که رسول اکرم در باره
دَجَال^(۱) میفرماید: «إِنَّهُ أَعور، وَإِنَّ رَبِّكُمْ لَيْسَ بِأَعور». [متفق علیه].

«دجال يك چشم دارد و چشم دیگرش کور است و

(۱) مردی کذاب و بسیار دروغگو که در آخرالزمان ظهور کند و مردم را بفریبد.
فرهنگ فارسی معین - ویراستار.

خدایتعالی چنین نیست، بلکه دو چشم دارد» .

۳۲ - ایمان میآوریم به این که ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ

وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام ۱۰۳).

[چشم ها، او را (در دنیا) درک ننماید (لیکن در

آخرت مؤمنان او را خواهند دید)، اما او چشم ها را

ادراک می کند، و او بخشنده انواع نعمت ها و با خبر از

تمام ریزه کاری ها و از همه چیز آگاه است].

۳۳ - ایمان میآوریم به این که مؤمنان، در روز قیامت

خدا را خواهند دید؛ چنان که میفرماید: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

نَاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾ (القیامة ۲۲-۲۳).

[آن روز، چهره های (گروهی) شاداب و مسرور

است. و به پروردگارش می نگرد].

۳۴ - ایمان می‌آوریم به این که خداوند، مثل و مانندی ندارد، زیرا که صفت های او کامل است: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (الشوری ۱۱).

[آن خدای یکتا را هیچ مثل و مانندی نیست و او (به کردار بندگان)، شنوا و بیناست].

۳۵ - ایمان می آوریم به این که ﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ (البقرة ۲۵۵).

[هیچ گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمیگیرد].
برای این که زندگی و قیومیت (تدبیر عالم) خدا در بلندترین درجه کمال است .

۳۶ - ایمان می آوریم به این که به هیچ کس ظلم نمیکند؛ زیرا عادل است، و این که از اعمال و کردار

بندگان‌ش غافل نیست؛ زیرا او کاملاً آگاه و مراقب بر
آفریدگانش است .

۳۷ - ایمان می آوریم به این که خداوند، از آن چه در
آسمان ها و زمین است، عاجز و ناتوان نیست؛ زیرا او در
علم و قدرت خود کامل است: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا
أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس ۸۲).

[فرمان او این است که هرگاه چیزی را اراده کند به
آن می گوید: موجود باش! آن هم موجود می شود].
و این که هیچ خستگی و فرسودگی بر او وارد
نمیشود چرا که نیرو و قوت او کامل است؛ چنان که
میفرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي
سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾ (ق ۳۸).

[و ما آسمانها و زمین و آنچه در میان آن است، در شش روز آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید].

۳۸ - ایمان می آوریم به درست بودن آن چه خداوند برای خود ثابت کرد، رسول الله برای او اثبات تصدیق کرده است، از نام ها و صفت های باری تعالی لیکن از دو امر نادرست به شدت دوری کرده، آن را انکار می کنیم:

اول - همانندی: یعنی (شباهت دادن و مانند کردن).
این که کسی با قلب یا زبان خود بگوید که صفت های خداوند همانند صفت های مخلوقات است .

دوم - کیفیت: یعنی چگونگی. این که با قلب یا زبان خود بگوید صفت های خداوند چنین و چنان است.

۳۹ - ایمان می آوریم به آن چه خدا از خودش، یا رسول ، از خدا نفی و انکار کرده و از او دور دانسته اند و این که آن نفی و دوری، شامل اثبات کمال ضد آن (صفت های نفی شده برای خداوند است)، و آن چه خدا و رسولش در آن سکوت کرده اند، ما نیز در باره آن خاموش می مانیم.

۴۰ - بر این باور و عقیده ایم که پیروی از این راه و روش، بر ما فرض و واجب است و باید آن را بپذیریم؛ زیرا آن چه خدا ثابت کرده، یا آن را از خود نفی کرده، خبری است که از سوی خود بر ما وحی نموده است، و خدایتعالی در باره خود، از هر کس دیگر داناتر و آگاه تر است. کیست که در گفتارش از خدا راستگوتر است؟

و کیست که نیکوتر از خداوند سخن گوید؛ و بندگانش
به علم او نتوانند رسید.

آن چه رسول اکرم برای خدا ثابت کرده و یا از
او نفی نموده است خبری است که در باره خدا گفته
است و خبر داده است؛ و او از هر بنده، به خدای یکتا
عالم تر، داناتر و آگاه تر است، و او خیر خواه ترین مردم و
راستگوترین و شیوا سخن ترین انسان هاست .

در کلام خدا و رسولش دانش کامل و صدق
وراستی و بیان است، و هیچ عذری در رد کردن یا شك
کردن در آن نیست .



()

- ۴۱ - در حقیقت، دلیل و استناد ما در همه آن چه از صفات باری تعالی، چه به صورت مشروح، چه مختصر، و چه به طور اثبات یا نفی بیان کردیم، بر اساس قرآن کریم و سنت پیامبر و گذشتگان و پیشینیان صالح و نیکوکار، و امامان اهل سنت و جماعت بوده است .
- ۴۲ - بر این عقیده ایم که باید کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن حمل کرد، چنان که باری تعالی شایسته و سزاوار آن معنی باشد. و از راه گمراهانی که صفات باری تعالی را تأویل کرده و به آن چه خدا و رسولش می خواستند عمل نکردند، براءت و دوری می جویم .

و همچنین خود را از راه مُعطله^(۱) کسانی که صفات
باریتعالی را تعطیل کرده و آن معنا و مفهومی که در آن
صفات است آن را برای باری تعالی اثبات نمی کند،
برائت می جوئیم .

و همچنین از راه کسانی که در آن صفات، غُلُو و زیاده
روی کرده، و آن را به صفات مخلوقات تشبیه می کنند و
یا برای آن چگونگی و کیفیتی ثابت می کنند، برائت و
دوری می جوئیم .

۴۳ - ما یقین داریم که آن چه در قرآن و سنت آمده
حق و حقیقت است، و در آن هیچ اختلاف و نقصی

(۱) پیروان مذهب تعطیل ؛ در اصطلاح اهل سنت فرقه های مذهبی که منکر
صفات باری تعالی بوده، و از خداوند نفی اسما و صفات می کرده اند. فرهنگ
فارسی عمید - ویراستار.

وجود ندارد؛ چنان که باری تعالی می فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ
الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾
(النساء ۸۲).

[آیا آنان در باره قرآن نمی اندیشند، این قرآن اگر از
جانب غیر خدا نازل شده بود، حتماً تناقض ها و
اختلافهای فراوانی در آن می یافتند].

زیرا تناقض و اختلاف در اخبار، موجب آن می شود
که برخی از آن برخی دیگر را رد نمایند و این امر (که
برخی از آیات و احادیث برخی دیگر آنرا تکذیب و رد
نمایند) در اقوال خدا و رسولش مستحیل و ناممکن است.

۴۴ - هر کس ادعا کند که در قرآن و سنت پیامبر

تناقض و اختلاف وجود دارد، دلالت بر قصد و نیت بد

او، و گمراهیِ قلب او می کند، و باید توبه کرده، به سوی خدای متعال باز گردد و از گمراهی و جهالت، دوری جوید.

هر کس به فکرش چنین آید که در قرآن و سنت پیامبر اختلاف و تناقض وجود دارد، از چند حال خارج نیست: یا از کمی دانش و معرفت اوست، و یا از عدم فهم و ادراک اوست، و یا از کم فکری و نیندیشیدن در قرآن و سنت پیامبر و معانی آن می باشد؛ پس باید چنین فردی در آموختن علم و معرفت صحیح بکوشد، و با اندیشه و تدبر در آیات قرآن و معانی آن تلاش نماید تا حقیقت و یقین برای او روشن شود، و اگر نتوانست حقیقت را بداند، چنین مسایلی را به عالم آن که خداوند

است وا گذاشته و از تصور بیجا و تأمل جاهلانه در باره
آن دوری جوید (و به آن ایمان آورده) و چنان گوید که
صاحبان علم راستین می گویند که: ﴿ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ
عِنْدِ رَبِّنَا﴾ (آل عمران ۷).

[ما به همه آن ایمان آوردیم (چرا که) همه از سوی
پروردگار ما است].

بداند که در قرآن و سنت پیامبر هیچ تناقض و
اختلافی وجود ندارد .



()

۴۵ - ایمان میآوریم به فرشتگان خدا و این که: ﴿عِبَادُ

مُكْرَمُونَ﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿

(الأنبياء ۲۶ - ۲۷).

[آنها بندگان گرامی خدا هستند، هرگز در سخن

گفتن بر او پیشی نمی گیرند. و آنها تنها فرمان او را اجرا

می کنند].

خداوند، آن ها را آفریده و آنان نیز به عبادت خدا

برخاسته و به طاعت او عمل کرده اند؛ چنان که

میفرماید: ﴿لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾ ﴿

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْطُرُونَ﴾ (الأنبياء ۱۹ - ۲۰).

[هیچ گاه از عبادتش استکبار نمی ورزند، و هرگز

خسته نمیشوند، تمام شب و روز خدا را تسبیح می گویند و کمترین ضعف و سستی به خود راه نمی دهند].

خداوند، فرشتگان را از ما پنهان کرده، ما آنان را نمی بینیم و ممکن است خداوند، آن ها را برای برخی از بندگانش ظاهر و آشکار نماید؛ چنانکه رسول الله

جبریل را بر صورت حقیقی اش دید که ششصد بال داشت و تمامی کرانه آسمان را پوشانده بود و همچنین جبریل به چهره انسانی درآمد و با مریم، مادر عیسی گفتگو کرد، و نیز به صورت مردی نزد رسول الله

آمد، و صحابه با رسول اکرم نشسته بودند و کسی او را نشناخت، در حالیکه هیچ اثری از سفر بر او نبود، و لباس سفیدی بر تن داشت، و مویش سیاه بود، نزد رسول

خدا نشست، زانو بر زانوی رسول الله نهاد و دو دست بر ران پیامبر اکرم گذاشته، با آن حضرت به گفتگو نشست. رسول اکرم پس از رفتن آن مرد، صحابه را خبر دادند که او جبریل بود.

۴۶ - ایمان می آوریم که فرشتگان به اعمالی گماشته شده اند: همانند جبریل که به نزول وحی بر پیامبران گماشته شده است. و میکائیل مأمور به نزول باران، و اسرافیل مأمور دمیدن در شیپور به هنگام برانگیخته شدن مردم در روز قیامت است. و ملک الموت موکل به قبض روح، هنگام مردن است. و فرشتگان کوه موکلند به کوه ها، خداوند مالک را دربان جهنم قرار داده است. فرشتگانی هستند که مأمور بر جنین و بچه هایی

هستند که در شکم مادرانشان به سر می برند، فرشتگانی هستند که مأمور به نگهداری از بنی آدم و دفاع از ایشان هستند.

نیز فرشتگان دیگری به نوشتن اعمال و کردار بنی آدم گماشته شده اند، و برای هر فردی دو فرشته قرار داده شده است؛ خداوند می فرماید: ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۖ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق ۱۷-۱۸).
 [(دو فرشته) از طرف راست و چپ ملازم انسان هستند، هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر این که همان دم فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است].

فرشتگان دیگری هستند که خداوند، آن ها را برای

سؤال و پرسش از مردگان، در هنگام دفن آن ها قرار داده است. دو فرشته بر مرده وارد می شوند و او را مورد بازخواست قرار داده و می گویند: معبود تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ پس: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (إبراهيم ۲۷).

[خداوند کسانی که ایمان آورده اند به خاطر گفتار و اعتقاد ثابت و پایداریشان ثابت قدم می دارد؛ هم در این جهان و هم در جهان دیگر].

فرشتگان دیگری هستند که مکلفند به بهشتیان؛ خداوند میفرماید: ﴿يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۖ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (الرعد ۲۳-۲۴).

[فرشتگان) از هر دری بر آنها وارد می شوند، (و به آنها می گویند) سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان، چه پایان نیک و چه عاقبت خوبی است].

رسول اکرم به ما خبر داده است که: «إِنَّ بَيْتَ المعمور في السماء يدخله، وفي رواية: يصلي فيه، كل يوم سبعون ألف ملك ثم لا يعودون إليه آخر ما عليهم». [متفق علیه].

بیت المعمور^(۱) در آسمان است. هر روز هفتاد هزار فرشته در آن داخل می شوند، و در روایتی در آن نماز میخوانند، سپس به آن خانه باز نمی گردند.



(۱) خانه یا مسجدی که گفته اند در آسمان هفتم برابر کعبه است ؛ یعنی خانه ای که تمامی فرمان ها در آن است.

()

۴۷ - ایمان می آوریم به این که خدای تعالی بر پیامبران خود کتاب هایی فرستاده تا حجت و دلیلی باشد برای جهانیان تا به آن عمل کنند و به وسیله آن کتاب ها، به جهانیان، حکمت آموزند، و آنان را پاکیزه نمایند.

۴۸ - ایمان می آوریم که خداوند بر هر پیامبری کتابی نازل فرموده؛ چنان که می فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (الحديد ۲۵).

[ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند].

۴۹ - [شماری] از آن کتاب ها که بر ما ظاهر و

آشکار می باشد، عبارتند از:

أ - تورات که بر موسی نازل فرموده است و آن
بزرگترین کتابهای بنی اسرائیل است: ﴿فِيهَا هُدًى وَنُورٌ مِّمَّكُمْ
بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا
أَسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ﴾ (المائدة ۴۴).

[در آن هدایت و نور است، پیامبران الهی که در برابر
فرمان خدا تسلیم بودند، همگی بر طبق آن برای یهود
حکم می کردند، و علمای بزرگ یهود و دانشمندان با
ایمان و پاك آنها، بر طبق این کتاب آسمانی که به آنها
سپرده شده بود، و بر آن گواه بودند داوری می کردند].

و میفرماید: ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا

لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿المائدة ٤٦﴾.

ب - [و انجیل را در اختیار او گذاشتیم که در آن هدایت و نور بود، (نه تنها عیسی بن مریم)، تورات را تصدیق می کرد، بلکه انجیل، کتاب آسمانی، او نیز گواه صدق تورات، و مایه هدایت و اندرز پرهیزگاران بود].
﴿وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ﴾ (آل عمران ۵۰).
[و (نیز آمده ام تا پاره ای) از چیزهایی که بر شما حرام شده بود بر شما حلال کنم].

ج - زبور که به حضرت داوود عطا شده بود .
د - صحف که به ابراهیم و موسی داده شده بود .
ه - قرآن کریم که بر خاتم پیامبران محمد نازل شد: ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (البقرة ۱۸۵).

[همان قرآنیکه) سبب هدایت مردم، و دارای نشانه های هدایت، و معیارهای سنجش حق و باطل است].

می فرماید: ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ﴾ (المائدة ۴۸).

[کتب پیشین را تصدیق کرده و حافظ و نگاهبان آنهاست].

پس، خداوند، قرآن را ناسخ و محو کننده تمامی کتاب های آسمانی گذشته قرار داده و عهده دار حفظ آن از عبث و تحریف و دست بردن در آن شده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (الحجر ۹).

[ما این قرآن را نازل کردیم، و ما بطور قطع آن را حفظ خواهیم کرد].

زیرا این قرآن تا روز قیامت باقی است و آن هم
حجت و برهان بر تمامی جهانیان است .

اما کتاب های پیشین، هر کدام برای دوره و زمانی
معین و معلوم بوده است که با نزول کتاب دیگری،
صلاحیتش پایان یافته و کتاب بعدی، آن چه از تحریف و
تبدیل و نقص و زیادت در آن بوده بیان کرده است، به
همین سبب کتاب های سابق، مَصُون از خطا و اشتباه
نبوده و تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن ها وجود
داشته است. خداوند میفرماید: ﴿مِّنَ الَّذِينَ هَادُواْ تُحَرِّفُونَ
الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهِ﴾ (النساء ۴۶).

[جمعی از یهودیان کلام (خدا) را از محل خود تحریف
می نمایند].

﴿ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴾ (البقرة ۷۹).

[وای بر کسانی که مطالبی را به دست خود مینویسند، وبعد می گویند اینها از سوی خداست، (و هدفشان این است که با این کارها) بهای کمی به دست آورند، وای بر آنها از آنچه با دست خود می نویسند. و وای بر آنها از آنچه با این خیانت ها به دست می آورند].

﴿ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ ۖ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا ﴾ (الأنعام ۹۱).

[بگو چه کسی کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود نازل گردانید؟ کتابی که آن را به

صفحات پراکنده ای تبدیل کرده اید، بعضی را (که به سود شهاست) آشکار می کنید و بسیاری را (که به زیان خود می دانید) پنهان می دارید].

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودْنَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنْ أَلْكِتَابٍ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آل عمران ۷۸-۷۹).

[بعضی از آنها زبان خود را به هنگام تلاوت کتاب خدا چنان می پیچند و منحرف می کنند که گمان کنید آنچه را که می خوانند از کتاب خداست در حالی که از کتاب الهی نیست، می گفتند این از سوی خدا نازل شده

در حالی که از سوی خدا نبود، به خدا دروغ می‌بندند در حالی که عالم و آگاهند. برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید غیر از خدا مرا پرستش کنید].

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ﴾ (المائدة ۱۵-۱۷).

[ای اهل کتاب، فرستاده‌ما به سوی شما آمد، تا بسیاری از حقایق کتب آسمانی را که شما کتمان کرده بودید آشکار

سازد، و در عین حال از بسیاری از آنها (که نیازی به ذکر نبوده و مربوط به دورانهای گذشته است) صرف نظر میکند، از طرف خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد، همان نوری که خداوند بوسیله آن کسانی را که در پی کسب خشنودی او باشند به طریق سلامت هدایت میکند، آنها را از انواع ظلمتها و تاریکیها (ظلمت شرک، ظلمت جهل، ظلمت پراکندگی و نفاق و ...) به سوی نور توحید، علم و اتحاد رهبری میکند، آنها را به جاده مستقیم که هیچ گونه کجی در آن از نظر اعتقاد و برنامه عملی نیست هدایت می نماید. بطور مسلم کسانی که گفتند: مسیح بن مریم خدا است کافر شدند و در حقیقت خدا را انکار کرده اند].



()

۵۰ - ایمان می آوریم به این که خداوند متعال،

پیامبران و رسولانی بر خلق و جهانیان فرستاد: ﴿مُبَشِّرِينَ

وَمُنْذِرِينَ لَعَلَّأَ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۚ وَكَانَ

اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (النساء ۱۶۵).

[پیامبران) را بشارت دهنده و انذار کننده قرار دادیم

تا به رحمت و پاداش الهی، مردم را امیدوار سازند و از

کیفرهای او بیم دهند تا اتمام حجت بر آنها شود و بهانه ای

نداشته باشند. و او بر همه چیز توانا و حکیم است].

۵۱ - ایمان میآوریم به اینکه نخستین این پیامبران نوح

و آخرین آنها محمد میباشد. خداوند میفرماید: ﴿إِنَّا

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ (النساء ۱۶۳).

[ما بر تو وحی فرستادیم، همانطور که بر نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم].

و میفرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ (الأحزاب ۴۰).

[محمد () پدر هیچ يك از مردان شما نبوده و نیست ولی او رسول خدا و خاتم پیامبران است].

بهترین و برترین آن ها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی فرزند مریم میباشد؛ چنان که خداوند آنان را بطور خاص در این آیه مبارکه ذکر نموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ۗ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾ (الأحزاب ۷).

[به خاطر بیاور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم؛ و از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم].

۵۲ - ما معتقدیم که دین و شریعت محمد شامل تمامی فضیلت های شریعت پیامبرانی که سرشار از فضل بودند چنان که میفرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ (الشوری ۱۳).

[خداوند آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود، همچنین آنچه را بر تو وحی فرستادیم، و ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردیم، که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید].

۵۳ - ایمان می آوریم به این که همه پیامبران، بشر و مخلوق هستند در وجود هیچ يك از ایشان صفات خداوند وجود ندارد. خداوند از زبان پیامبر نوح می فرماید:

﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾ (هود ۳۱).

[من به شما نمی گویم خزائن الهی در اختیار من است، از علم غیب آگاهم و فرشته ام].

خداوند به خاتم الانبیاء - محمد - فرمان داد تا بگوید: ﴿لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾ (الأنعام ۵۰).

[من هرگز ادعا نمی کنم که خزائن الهی به دست من است، و از همه امور پنهانی و اسرار غیب آگاهم، و

فرشته ام].

و این که بگوید: ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ (الأعراف ۱۸۸).

[به آنها بگو: من مالک و صاحب اختیار هیچ گونه سود و زیانی درباره خویش نیستم مگر آنچه را که خدا بخواهد].

و بگوید: ﴿إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ ﴿قُلْ إِنِّي لَنْ يُخْرِجَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ (الجن ۲۱-۲۲).

[من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم، بگو: هیچ کس مرا غیر از خدا حمایت نمی کند و پناهگاهی جز او نمی یابم].

۵۴ - ایمان میآوریم که تمام پیامبران، بنده ای از

بندگان خدا هستند و خداوند متعال، آنان را به پیامبری، بزرگ داشته است و آنان را به بندگی در بلندترین مقام و بر شیوه مدح، وصف فرموده است؛ چنانکه در باره اولین آن ها - نوح - میفرماید: ﴿ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ (الإسراء ۳).

[ای فرزندان کسانیکه با نوح در کشتی نوح ایشان را حمل کردیم، نوح بنده شکرگزاری بود].

درباره آخرین آنها محمد میفرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (الفرقان ۱).
[زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد، تا بیم دهنده جهانیان باشد].

[خدا] درباره پیامبران دیگر میفرماید: ﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿ص ۴۵﴾.

[به خاطر بیاورندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستهای (نیرومند در طاعت خدا) و چشمهای بینا (در دین او)].

﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص ۱۷).

[و به خاطر بیاورنده ما داوود قدرتمند را که او بسیار توبه کننده بود].

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص ۳۰).

[ما سلیمان را به داوود بخشیدیم، چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا باز می گشت].

درباره عیسی، فرزند مریم، میفرماید: ﴿إِنَّهُ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ

أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ﴾ (الزخرف ۵۹).

[او فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم، او را به نبوت و رهبری خلق مبعوث کردیم، و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم].

۵۵ - ایمان میآوریم که خداوند متعال، رسالتها را با پیامبری محمد پایان داد و او را بر همه جهانیان فرستاد؛ چنانکه میفرماید: ﴿قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (الأعراف ۱۵۸).

[بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم، خداوندی که حکومت آسمان ها و زمین از آن اوست، معبودی شایسته پرستش جز او وجود ندارد،

زنده می کند و می میراند، به خدا و فرستاده اش که پیامبر، درس نخوانده است، ایمان بیاورید، پیامبریکه به خدا و سخنان او ایمان دارد، از او پیروی کنید تا هدایت شوید].

۵۶ - ایمان میآوریم به این که شریعت و آیین محمد همان دین اسلام است که خداوند، آن را برای بندگان خود قبول فرمود و غیر از اسلام، هیچ دینی را از هیچ کس نمی پذیرد؛ چنان که میفرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (آل عمران ۱۹).

[دین (پسندیده) در نزد خدا، اسلام است].

و میفرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة ۳).

[امروز دین و آیین شما را کامل کردم و نعمت خود را
بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنون آیین شما پذیرفتم].
و میفرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ
وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران ۸۵).

[هرکس غیر از اسلام آیینی برای خود انتخاب کند
از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران
خواهد بود].

۵۷ - معتقدیم که اگر کسی ادعا کند، امروز دینی
غیر از دین اسلام مانند دین یهود و یا نصاری و غیر اینها
در نزد خدا مقبول است، او کافر است و باید از او
خواست تا توبه کند، و گرنه مرتد است، و کشتن او لازم
است؛ زیرا قرآن را انکار کرده است.

۵۸ - ما بر این باوریم که هر کس به رسالت محمد

- که برای جهانیان است - کافر شود، در حقیقت، به تمام پیامبران کافر شده است؛ حتی پیامبری که ادعا میکند به او ایمان دارد و پیرو اوست؛ چنان که باری تعالی میفرماید:

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ (الشعراء ۱۰۵).

[قوم نوح، رسولان را تکذیب کردند].

و آنان را تکذیب کننده همه پیامبران دانسته است؛ در حالی که قبل از نوح ، پیامبری فرستاده نشده بود و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُوا نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ (النساء ۱۵۰-۱۵۱).

حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (النساء ۱۵۰-۱۵۱).

[آن‌ها که به خدا و پیامبرانش کافر می‌شوند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران تفرقه بیندازند و اظهار میدارند که ما نسبت به بعضی از آنها ایمان داریم اگر چه بعضی دیگر را به رسمیت نمی‌شناسیم، و به گمان خود می‌خواهند در این میان راهی پیدا کنند، آنها کافران واقعی هستند، ما برای کافران عذاب و خوارکننده‌ای فراهم ساخته ایم].

۵۹ - ایمان می‌آوریم که هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد نیست [و نخواهد آمد] و هر کس، پس از او ادعای نبوت کند یا کسیکه ادعاکننده نبوت را [باور کرده] و به راستی و درستی او گواهی بدهد، کافر است؛ زیرا تکذیب‌کننده و دروغ‌پندارنده خداوند و

رسول خدا و اجماع مسلمانان شده است .

۶۰ - ایمان می آوریم که پس از پیامبر خلفای راشدین اند که در میان امت او با علم و معرفت و دعوت و ولایت، بر مؤمنان خلافت کردند و بهترین و شایسته ترین آنها به خلافت [به ترتیب]: ابوبکر صدیق، سپس عمر بن خطاب، سپس عثمان بن عفان، سپس علی ابن ابی طالب می باشند .

و همچنان که در خلافت به ترتیب، قدر و منزلت داشتند، در فضیلت نیز چنان بودند و خداوند متعال - که برای اوست حکمت رسا و بالغ - ممکن نبود که بر این سده های برگزیده، شخصی را به خلافت منصوب کند؛ که از او شخص شایسته تری غیر از او وجود داشته باشد.

۶۱ - ایمان میآوریم به این که صاحب فضیلت کمتر از جمله اینان ممکن است دارای خصوصیت ویژه و یا برتری در بعضی خصوصیت ها باشد نسبت به آنکه از او برتر و افضل است، ولی ممکن نیست صاحب فضیلت و برتری مطلق بر آنان گردد؛ زیرا علل و انگیزه های فضیلت و برتری، بسیار زیاد است .

۶۲ - ایمان میآوریم که امت محمدی، بهترین امتهای و فاضل ترین آن هاست؛ چنان که خداوند متعال میفرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران ۱۱۰).

[شما بهترین امتی بودید که به سوی انسانها فرستاده شدید امر به معروف و نهی از منکر می کنید، و به خدا

ایمان دارید].

۶۳ - ایمان می آوریم که بهترین این امت، یاران و صحابه (صحابی مسلمانی است که به خدمت پیغمبر اسلام رسیده و محضر آن حضرت را درك کرده و مسلمان از دنیا رفته باشد)^(۱) پیامبر ، سپس تابعین^(۲) ، سپس تابع تابعین^(۳) می باشند .

۶۴ - ایمان می آوریم که در این امت گروهی هستند که تا روز قیامت بر حق بوده و مخالفت و دشمنی دشمنان و مخالفان هیچ ضرری به آن ها نمی رساند که فرمان و امر الهی جاری شود.

(۱) وگرنه صحابه گفته نمی شود.

(۲) در اسلام، مسلمانی را می گویند که صحابی را دیده و از او پیروی کرده باشد.

(۳) جانشینان تابعین.

۶۵ - ما معتقدیم که آن چه بین صحابه و یاران پیامبر از جنگ و اختلاف و فتنه رخ داد، از اجتهاد^(۱) آنان بود. کسی که از آن ها بر حق بودند، برای او دو اجر است و کسی که بر حق نبود، برای او یک پاداش، و آن هم پاداشِ اجتهاد است و خطای او بخشوده می شود.

۶۶ - ما معتقدیم که نباید از بدی آنان سخن بگوییم، بلکه آنان را به آن چه که از مدح و ثناء، سزاوار و شایسته آنند، بستاییم و دل های خود را از حقد و حسد و کینه آنان پاک کنیم؛ چنان که خداوند متعال می فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتْلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى﴾ (الحديد ۱۰).

(۱) استنباط مسایل شرعی از قرآن یا حدیث نبوی.

[کسانی که قبل از (فتح مکه) انفاق کردند و جنگیدند و پیکار نمودند (با کسانی که بعد از فتح انفاق کردند) یکسان نیستند، آنها بلند مقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، و خداوند به هر دو وعده نیک داده است].

میفرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (الحشر ۱۰).

[و کسانی که بعد از آنها (مهاجرین و انصار) آمدند، می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی].

()

۶۷ - ایمان می آوریم به روز قیامت. و آن روزی است که بعد از آن، روز دیگری نیست، وقتی مردم زنده شده، از قبرهای خود برمی خیزند تا این که زندگی ابدی را شروع کنند و راه ایشان یا به بهشت، و یا به دوزخ خواهد بود.

۶۸ - ایمان می آوریم به برانگیخته شدن. و آن هم زنده کردن خداوند مردگان را؛ در حالیکه اسرافیل در شیپور می‌دمد: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ (الزمر ۶۸).

[و در صور دمیده می شود پس همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند، مگر کسانی که خدا

بخواند، سپس بار دیگر در صور دمیده می شود،
ناگهان همگی به پا می خیزند و می نگرند].

در این وقت، مردم از قبرهایشان برمی خیزند؛ در
حالی که پا برهنه اند و لخت هستند و ختنه نشده اند: ﴿كَمَا
بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (الأنبياء
۱۰۴).

[همان گونه که در آغاز آفریدیم باز هم بر می گردانیم].
۶۹ - ایمان می آوریم به نامه اعمال و کردار که به
دست راست و یا از پشت به دست چپ داده می شود:
﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَسَوْفَ مُحَاسَبٌ حِسَابًا
يَسِيرًا ۝ وَيُنْقَلَبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۖ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ۝ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝﴾
(الانشقاق ۷-۱۲).

[پس کسی که کتاب اعمالش، به دست راستش داده شد. به زودی و آسانی محاسبه می شود، و خوشحال به پیش اهل و خانواده اش باز می گردد. و اما کسی که نامه اعمالش از پشت سرش داده می شود. فریاد خواهد زد: وای بر من که هلاك شدم. و در شعله های سوزان آتش می سوزد].

﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ لِّزَمْنِهِ لَطِيفٌ ۖ فِي غُنْفِهِ ۖ وَخُجِرٌ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾﴾ (الإسراء ۱۳ - ۱۴).

[نامه اعمال هر انسانی را به گردنش آویخته ایم! و ما روز قیامت کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود گشوده می بیند. نامه اعمال را خودت

بخوان، کافی است که خودت امروز حسابگر خویش باشی].

۷۰ - ایمان میآوریم به ترازویی که در روز قیامت برای حساب و جزا و کیفر و پاداش گذاشته می شود و به هیچ کس ظلم نمی شود: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (الزلزلة ۷-۸).

[پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد آنرا می بیند. و هر کس هم وزن ذره ای کار بد کرده آنرا می بیند].

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿تَلَفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ﴾ (المؤمنون ۱۰۲-۱۰۴).

[کسانیکه وزنهٔ اعمالشان سنگین است قطعاً رستگارانند، و اما آنها که وزنهٔ اعمالشان سبک باشد کسانی هستند که سرمایهٔ وجود خود را از دست داده در جهنم جاودانه خواهند ماند. شعله های گرم و سوزان آتش، همچون شمشیر به صورتهای آنها نواخته میشود].

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (الأنعام ۱۶۰).

[هرکسی کار نیکی به جا آورد، ده برابر به او پاداش داده می شود، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز به همان مقدار، کیفر داده نمی شود، و به آنها هیچ گونه ستمی نخواهد شد].

۷۱ - ایمان می آوریم به شفاعت عظمی و بزرگی که

مختص پیامبر، و آن هم از خداوند شفاعت می طلبد تا این که بین مردم، به مصیبتی که بر آنان وارد شده است، از هم و غم و سختی و شدت روز محشر قضاوت نماید؛ پس مردم نزد آدم، سپس نزد نوح، سپس نزد ابراهیم، سپس نزد موسی، سپس نزد عیسی رفته تا این که سرانجام به پیامبر می رسند].

۷۲ - ایمان می آوریم به شفاعتی که مردم را از جهنم بیرون می آورد و آن شفاعت، برای رسول اکرم و پیامبران دیگر و مؤمنان و فرشته ها می باشد .

و اینکه خداوند متعال، گروهی از مؤمنان را از جهنم بیرون می آورد بدون شفاعت کسی، بلکه به فضل و رحمت خداوندی.

۷۳ - ایمان می آوریم به حوض رسول الله و این که آب آن سفیدتر از شیر، و شیرین تر از عسل است، و بوی آن بهتر از بوی خوش مشک می باشد. طول آن به مسافت رفتن يك ماه، و عرض آن نیز همان قدر است. ظرف های آن مانند ستارگان آسمان، زیاد و زیبا هستند و مؤمنانِ امت محمدی، بر آن وارد می شوند و هر کس که از آن حوض بنوشد، بعد از آن هرگز تشنه نخواهد شد.

۷۴ - ایمان می آوریم به صراط. و آن پلی است که بر جهنم نصب شده و مردم به قدر و اندازه اعمال و کردار خود از روی آن میگذرند، اولین آن ها مانند برق عبور میکند، سپس بعد از آن همانند باد، سپس مانند پرنده ای

و شد الرحال^(۱) رسول الله بر پل ایستاده و میفرماید:
 بارخدا یا! نجات ده، نجات ده، تا اینکه اعمال (بندگان)
 کم و ناتوان می گردد، و کسانی بیایند که از پل بطور
 خزیدن عبور کنند، و در دو طرف پل، قلاب‌هایی آویزان
 است و مأمورند کسی را که به آنان امر شود، بگیرند و به
 آنان خدشه وارد شده و مجروح میشوند و سپس نجات
 می یابند و دیگران به آتش جهنم می افتند.

۷۵ - ایمان می آوریم به تمامی آن چه در قرآن و سنت
 پیامبر از اخبار و سختی و هراس آن روز آمده است،
 خدا ما را از آن نجات دهد.

(۱) مانند حیوانیکه بر آن بار حمل کنند. در روایت دیگری آمده (کأجاوید الخیل)
 یعنی مانند اسبان خوب، تندرو و زرنگ - مترجم.

۷۶ - ایمان می آوریم به شفاعت پیامبر نسبت به اهل بهشت تا این که به آن داخل شوند و آنهم [شفاعتی که] مخصوص پیامبر اکرم می باشد.

۷۷ - ایمان می آوریم به بهشت و دوزخ و این که بهشت دار النعیم است که خداوند آن را برای مؤمنان پرهیزگار، مُهیا کرده و در آن نعمت هایی است که هرگز چشم مانند آن ندیده، گوش مانند آن نشنیده، و دل بشر، مانند آن تصور نکرده است: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (السجدة ۱۷).

[هیچ کس خبر ندارد از پاداش هایی که برای او اندوخته شده و در حالی که مایه روشنی چشم هاست، این پاداش کارهایی است که انجام می دادند].

و جهنم، دار العذاب است که خداوند آن را برای
 کافران ستمگر، مُهیا ساخته و در آن عذابی هولناک و
 شدید است که هرگز در تصور هیچ بشری، خطور
 نکرده است: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا
 وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ
 الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ (الکَهِف ۲۹).

[ما برای این ستمگران آتشی فراهم کرده ایم که
 سرپرده اش آنها را از هر سو احاطه کرده است، اگر در
 جهنم تقاضای آب کنند آبی برای آنها میآورند همچون
 فلز گداخته! که (اگر نزدیک صورت شود) صورتها را
 بریان می کند! چه نوشیدنی بدی است، و (دوزخ) چه
 جایگاه بدی است].

و آن دو؛ یعنی بهشت و دوزخ، اکنون وجود دارد و هیچ گاه فانی نشده و از بین نخواهد رفت. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا﴾ (الطلاق ۱۱).

[و هر کس به خدا ایمان بیاورد و اعمال صالح انجام دهد او را در باغهایی از بهشت داخل می کند که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است].

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٦٧﴾ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٨﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ (الأحزاب ۶۴-۶۶).

[خداوند کافران را از رحمت خود دور ساخته و برای آنان آتش سوزاننده ای فراهم کرده است، آن ها جاودانه در این آتش سوزان خواهند ماند و سرپرست و یاوری نخواهند یافت. روزی را به خاطر بیاور که صورت های آنها در آتش دوزخ دگرگون میشود، و میگویند: ای کاش ما خدا و پیامبرش را اطاعت می کردیم].

۷۸ - ما شهادت می دهیم بهشت رفت کسانی را که قرآن و سنت پیامبر آن را بیان کرده، چه کسانی که پیامبر با نام، آن ها را معلوم کرده، و چه کسانی که به وسیله صفت و نشانه ای، معین و مشخص شده اند؛ مانند: ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیهم السلام که رسول اکرم آن ها را نام برده است.

چه آنانی که به سبب صفت و اعمالشان به بهشت وارد می شوند؛ مانند: هر مؤمن یا هر شخص پرهیزگار و متقی.

۷۹- ما شهادت می دهیم به دوزخ رفتن کسانی را که قرآن و سنت رسول آن ها را بیان کرده است؛ چه با نام، و چه با وصف آنها. از کسانی که نام برده شده اند ابولهب و عمرو بن لحي الخزاعي و مانند این هاست، و از کسانی که وصف شان آمده است: هر کافر و مشرکی که شرك اکبر دارد و همه منافقان.

۸۰- ایمان می آوریم به سختی قبر و سؤال و پرسش از مرده در قبرش؛ از معبود، دین و پیامبر او، پس:

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ﴿إبراهيم ۲۷﴾.

[خداوند اهل ایمان را با عقیده ثابت و سخن درست در زندگانی دنیا و آخرت، پایدار می دارد].
 انسان مؤمن در این جا می گوید: معبود من خدا،
 دین من اسلام، و پیامبر من محمد است.
 اما انسان کافر و منافق می گوید: نمی دانم؛ شنیدم
 مردم چیزی می گویند، من هم همان را گفتم.

۸۱ - ایمان می آوریم به نعمت و آسایش قبر برای
 مؤمنان؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ
 الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا
 كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (النحل ۳۲).

[کسانی هستند که فرشتگان مأمور قبض روح، روح

آنان را می گیرند در حالیکه پاک و پاکیزه اند، به آنها میگویند: سلام بر شما باد، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید].

۸۲ - ایمان می آوریم به عذاب قبر برای ظالمان کافر؛ چنان که باری تعالی می فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ (الأنعام ۹۳).

[ای پیامبر! اگر تو این ستمکاران را هنگامی که در شداید مرگ و جان دادن فرو رفته اند مشاهده کنی، در حالی که فرشتگان قبض ارواح دست گشوده اند به آنها می گویند: جان خود را خارج سازید، خواهی دید که

وضع آنها بسیار دردناک و اسفبار است، امروز گرفتار مجازات خوارکننده ای خواهید شد به خاطر دو کار: نخست این که بر خدا دروغ بستید، و دیگر این که در برابر آیات او سر تسلیم فرو نیاوردید].

احادیث در این باره زیاد وارد شده است و برای مؤمن روشن و آشکار است؛ پس بر هر انسان مؤمن، واجب است که به آن چه در قرآن و سنت رسول الله از امور غیبی وارد شده است، ایمان بیاورد و به آن چه در دنیا مشاهده می کند با آن جدال و مقابله نکند، و آن را مورد تکذیب قرار ندهد؛ زیرا بین دنیا و آخرت فرق بسیار است.

والله المستعان .

()

۸۳ - ایمان می آوریم به قضا و قدر و خیر و شر آن، و آن هم تقدیر و سرنوشت خدا برای آفریدگان و خلائق. چنان که علم خدا بر آن سرنوشت، حکم کرده است. قضا و قدر چهار مرتبه دارد:

مرتبه اول: مرتبه علم است. ایمان می آوریم که خداوند متعال (با علم ازلی و ابدی خود) بر همه چیز عالم و داناست، دانا بر آن چه بوده، و آن چه خواهد بود، و بر چگونگی آن علم جدیدی برای وی به میان نمی آید که مسبوق به جهالت باشد، و بعد از علم فراموشی برایش عارض می شود.

مرتبه دوم: مرتبه نوشتن (آن علم است). ایمان

میآوریم که خداوند متعال آن چه مقدر و سرنوشت است تا روز قیامت در لوح محفوظ نوشته است: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (الحج ۷۰).

[آیا نمی دانی که خداوند آنچه را که در آسمانها و زمین است می داند، همه این ها در کتابی ثبت است، این بر خداوند آسان است].

مرتبه سوم: مرتبه مشیت و خواست خداست: ایمان میآوریم به اینکه خداوند آنچه در آسمان ها و زمین است خواسته و هیچ چیز جز به مشیت و اراده او نخواهد بود، هر چه را که خدا خواهد می شود، و آن چه نخواهد، نمی شود.

مرتبه چهارم: مرتبه خلقت و آفرینش است. ایمان میآوریم به اینکه: ﴿اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ (لهم مقالید السموات والأرض) (الزمر ۶۲ - ۶۳).

[خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است، کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست].

این مراتب چهارگانه شامل آن چه از خود باری تعالی و آن چه از بندگان خواهد بود، می باشد.

پس هر چه بنده از گفتار و کردار و غیر آن انجام میدهد برای خداوند واضح، آشکار و معلوم است و خداوند آن را خواسته و به وجود آورده است: ﴿لَمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ﴾ (وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) (التکویر ۲۸ - ۲۹).

[برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم پیش گیرد، و شما اراده نمیکنید مگر این که خداوند - پرورگار جهانیان - اراده کند و بخواهد].

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ (البقرة ۲۵۳).

[و اگر خدا بخواهد، با هم بر سر جنگ و نزاع نبودند ولیکن خدا (به مصلحتی که داند)، آنچه را بخواهد انجام می دهد].

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ (الأنعام ۱۳۷).

[و اگر خدا بخواهد، می تواند جلوی آنها را بگیرد، و آن ها و تهمت هایشان را به حال خود واگذار].

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ (الصفات ۹۶).

[خداوند شما را آفریده، و هر آنچه را که انجام می دهید

(بتهایی را که می سازید).

اما با این حال، ایمان می آوریم که خداوند برای بنده خود اختیار و قدرت قرار داده تا با آن، عمل خود را انجام دهد و نشانی بر این که بنده با خواست و اراده و اختیار خود عمل انجام میدهد:

[دلیل] اول: خداوند می فرماید: ﴿فَاتُّوا حَرْثَكُمْ أَنَّى

شِعْتُمْ﴾ (البقرة ۲۲۳).

[هر زمان بخواهید می توانید با آنها آمیزش نمایید].

و میفرماید: ﴿وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً﴾ (التوبة ۴۶).

[اگر آنان قصد (سفر جهاد) داشتند، لازمه آن را از

توشه و وسایل، آماده می کردند].

پس آمادگی و مهیا شدن برای جنگ را با اراده مطلق

و خواست خود، بر بنده خود، ثابت کرده است .

[دلیل] دوم: توجیه امر و نهی به بنده. اگر بنده اختیار و قدرت نداشت، امر و نهی کردن به او از جمله تکالیفی بود که توانایی انجام آن را نداشت، و این امری است که حکمت خداوندی و رحمت او نمی پذیرد و از آن دوری میکند. خداوند در خبر صادق و راستین قرآن میفرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (البقرة ۲۸۶).

[خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کند].

[دلیل] سوم: ستایش نیکوکار به خاطر احسان و نیکی، و نکوهش بدکار بر عمل بد و ناشایست او. جزای هر کدام به آن چه سزاوارش هستند. اگر عمل و

کردار بنده با اراده و اختیارش انجام نمی شد، مدح نیکوکار، بی نتیجه و کیفر بدکار، ظلم به شمار میآمد و خداوند از کار بی ارزش و بی نتیجه و ظلم، منزّه و پاک است .

[دلیل] چهارم: این که خداوند رسولانی را فرستاده است: ﴿مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (النساء ۱۶۵).

[پیامبران] بشارت دهنده و اندرز کننده قرار دادیم تا مردم را رحمت و پاداش الهی امیدوار سازند و از کیفرهای او بیم دهند تا حجت بر ایشان تمام شود و بهانه ای نداشته باشند].

اگر اعمال و کردار بنده با اراده و اختیار او انجام

نمیگرفت حجت و برهان خدا در فرستادن رسولان و پیامبران، باطل می شد .

[دلیل] پنجم: هرکس احساس می کند که عملی را انجام می دهد، یا آن را ترك می کند، بدون آن که حس کند کسی او را به انجام آن کار وادار کرده است؛ مثلاً با اراده مطلق و خالص خودش برمیخیزد، و می نشیند، داخل می شود، و خارج می گردد، مسافرت می کند، و ساکن می شود، بی آن که هیچ احساس زور و اجبار در او به وجود آید، البته که فرق زیادی است میان کسیکه به انجام چیزی اجبار شود، تا کسیکه با اختیار مطلق، کاری را انجام دهد. آیین اسلام نیز بین این دو؛ یعنی اجبار و اختیار، فرق گذاشته است، پس هرکس عملی را

انجام دهد و در انجام آن عمل ناگزیر و مجبور باشد،
 شرع و آیین اسلام، او را در آن چه به خدای باریتعالی
 تعلق دارد، مورد بازخواست قرار نخواهد داد.

۸۴ - ما معتقدیم هیچ حجتی برای گناهکار در
 گناهِش به خاطر قضا و قدر وجود ندارد، زیرا که
 گناهکار گناه را به اختیار خود انجام داده است، بدون آن
 که بداند که خداوند آنرا از قبل برای او سرنوشت کرده
 باشد، زیرا هیچ کس از سرنوشت باخبر نیست مگر بعد
 از وقوع آن عمل: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا﴾
 (لقمان ۳۴).

[و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد].
 پس چرا [گناهکار] دلیلی می آورد که قبلاً در هنگام

انجام آن کار، از آن بی خبر است و عذر می آورد که این، قضا و قدر خداست؟ خداوند، استناد کردن آن ها به آن دلیل را با آیه زیر باطل می فرماید: ﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ ۚ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا ۚ قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا ۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾ (الأنعام ۱۴۸).

[به زودی مشرکان (در پاسخ ایرادات تو در زمینه شرک و تحریم روزیهای حلال) چنین میگویند که اگر خداوند می خواست ما مشرک نمی شدیم و نیاکان ما بت پرست نمی شدند، و چیزی را تحریم نمی کردیم، پس آنچه ما کردیم و می گوئیم همه خواست اوست. بلکه

جمعی از اقوام گذشته نیز همین دروغها را می گفتند ولی سرانجام گرفتار عواقب سوء اعمالشان شدند و طعم مجازات ما را چشیدند، به آنها بگو: آیا راستی دلیل قطعی و مسلمی بر این ادعا دارید، اگر دارید چرا نشان نمیدهید، شما بطور قطع هیچ دلیلی بر این ادعاها ندارید].

۸۵ - ما خطاب به گناهکاری که به قضا و قدر استناد می کند، می گوئیم: چرا فرمان خدا را اجرا نکردی؟ ممکن بود خداوند این را برای تو سرنوشت کرده بود؛ زیرا وقتی انسان پیش از انجام کار، به سرنوشت جاهل باشد هیچ فرقی بین طاعت و معصیت برای او نیست، به همین سبب وقتی رسول الله به صحابه فرمودند: «بأنَّ كل واحد قد كتب مقعده من الجنة و مقعده من النار»

قالوا: أفلا نتكل وندع العمل؟ قال: لا، اعملوا فكل
ميسر لما خلق له». [البخاري].

«جایگاه هر کس، در بهشت و دوزخ نوشته شده
است، صحابه گفتند: آیا توکل به خدا کرده، انجام عمل
و کار را ترك کنیم؟ آن حضرت فرمود: نه، عمل را
انجام دهید؛ زیرا هر کسی آن چه بر او نوشته شده انجام
میدهد».

۸۶ - باز خطاب به گنهکاری که قضا و قدر را دلیل
گرفته می گوئیم: اگر بخواهی به مکه مکرمه سفر کنی و
مکه دو راه داشت و شخصی راستگو به تو بگوید که
یکی از این دو راه، خطرناک و دشوار است و راه دیگر
آسان و ایمن است، پس حتماً راه دومی را انتخاب خواهی

کرد و ممکن نیست راه اولی را برگزینی و می گویی این سرنوشت من است، و اگر راه اولی را انتخاب کنی، مردم تو را دیوانه می دانند .

۸۷ - همچنین به او می گوئیم: اگر دو کار به تو محول کنند و معاش ماهانه یکی از آن ها بیشتر باشد، حتماً تو آن کار را بر خواهی گزید که معاش زیادتری دارد؛ پس چه طور و چگونه برای روز رستاخیز خود، آن چه را بدتر و دارای ثواب کم تر است انتخاب می کنی و می گویی این قضا و قدر و سرنوشت من است؟!

۸۸ - به او می گوئیم وقتی به مرضی مبتلا شدی، در هر مطب و دکتری را می زنی تا تو را درمان کند و به آن چه از درد و سختی جراحی و تلخی دارو بر تو وارد

میشود صبر می کنی؛ پس چرا با قلب مریض خود، این کار را نمی کنی و بیماری گناه و معصیت آن را معالجه نمی کنی؟

۸۹ - ما ایمان می آوریم که شر و بدی به خداوند نسبت داده نمی شود؛ زیرا رحمت و حکمت او کامل است. رسول الله می فرماید: «والشر ليس إليك».
[مسلم].

شر و بدی نزد تو وجود ندارد.

پس هیچ گاه در قضا و قدر خداوند، ابداً شر نیست؛ زیرا [قضا و قدر] از حکمت و رحمت او صادر می شود، و شر در مخلوقات و مقتضیات او می باشد؛ چنان که رسول الله به حسن بن علی در دعای قنوت چنین آموخت: «وقني شر ما قضيت» «مرا از شری که قضا

کردی دور فرما» و شر و بدی به آن چه قضا فرموده اضافه کرد. با این حال، شرّ موجود در آن چه قضا شده است، شر و بدی محض و مطلق نیست، بلکه از یک جهت شر و بدی است که در محل آن است، و در جهت دیگر خیر است، یا در این جا شر، و در جای دیگر خیر است؛ مثل فساد در زمین، و خشکی و قحطی و مرض و فقر و گرسنگی و ترس، شر و بدی است، ولی در جای دیگر خیر است؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (الروم ۴۱).

[فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است، خدا می خواهد نتیجه

بعضی از اعمالشان را به آنان بچشانند، شاید به سوی حق بازگردند].

همچنین قطع کردن دست دزد و سنگسار کردن زناکار برای آن ها شر است؛ زیرا دست دزد قطع میشود و جان زناکار از بین می رود، ولی از جهت دیگر برای آنها خیر است؛ چون کفاره گناهان آن ها خواهد بود، و کیفر دنیا و آخرت با هم جمع نخواهد شد، و از جهت دیگر نیز خیر است؛ زیرا در آن حمایت از اموال و ناموس و نژاد بشر است .



()

۹۰ - این عقیده بلند و عالی، در برگیرنده اصولی عظیم و بزرگ است، و به کسی که به آن معتقد باشد، ثمره و فایده های بسیاری می رساند مانند:

ایمان به خدایتعالی، و نام و صفت های او، که به بنده ثمره محبت و بزرگداشت او را می بخشد و موجب اطاعت و پیروی از فرمان های [خدا] و دوری از نواهی خواهد شد؛ زیرا اطاعت و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی، ببار آورنده سعادت در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه می شود: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿النحل ۹۷﴾.

[هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، خواه مرد یا زن به او حیات پاکیزه می بخشیم، و پاداش آنها را بهترین اعمالی که انجام میدادند خواهیم داد].

۹۱ - [شماری] از ثمره ها و فایده های ایمان به فرشتگان عبارتند از:

اول: علم و شناخت بزرگی و عظمت آفریننده آن ها و قدرت و پادشاهی او سبحانه.

دوم: شکر و سپاس باری تعالی به خاطر عنایت بر بندگان و سرپرستی آن ها؛ چنان که این فرشتگان را موکل کرده تا از آن ها حفاظت و نگهداری کنند و اعمال و کردارشان را بنویسند و نیز فایده های دیگر.

سوم: محبت و دوستی فرشتگان بسبب عبادتی را که به طور کامل انجام داده اند و بسبب استغفارشان برای مؤمنان.

۹۲ - از ثمره ها و فایده های ایمان به کتاب های خدا:
اول: علم و معرفت به رحمت خداوند تبارك و تعالی و عنایت و توجه او به بندگان خود؛ چنان که برای هر قوم و نژادی، کتابی جهت هدایت و راهنمایی آن ها فرستاده است.

دوم: آشکار شدن حکمت خداوندی هنگامیکه راه را برای بندگان روشن و معین فرمود و کتاب ها را برای هر امتی - آن چه مناسب آن هاست - فرستاد و آخرین این کتاب ها قرآن مجید است که مناسب تمام انسان ها در

هر زمان و مکان تا روز قیامت مییابد .

سوم: سپاس و شکر، از خداوند متعال به خاطر نعمتهایش .

۹۳ - فواید ایمان به پیامبران:

اول: علم و شناخت رحمت خداوندی و عنایت الهی
بر بندگانش؛ زیرا پیامبرانی برای هدایت و راهنمایی آنان
فرستاده است .

دوم: شکر و سپاس از خداوند به خاطر این نعمتهای
بزرگ .

سوم: محبت و دوست داشتن پیامبران و احترام و
بزرگداشت و مدح و ثنای آنان به آن چه شایسته آن
هستند؛ زیرا آن رسولان و پیامبران از بهترین بندگان خدا

هستند، برای عبادت و تبلیغ پیام خدا و نصیحت
بندگان. رسولانی که در برابر آزار و اذیت بندگان، صبر
و شکیبایی کردند .

۹۴ - از فایده های ایمان به روز آخرت:

اول: حریص بودن بر طاعت و فرمان باریتعالی از
روی رغبت به خاطر پاداش روز قیامت و پرهیز از معصیت
و گناه به جهت ترس از کیفر آن روز .

دوم: دلْ خوشی و تسلی مؤمن در برابر حرمان از
نعمتهای دنیا و امیدوار بودن به نعمت و خوشی های که
در آخرت نصیب وی خواهد شد.

۹۵ - از فواید ایمان به قضا و قدر (سرنوشت):

اول: اعتماد به خداوند در انجام هر کار؛ زیرا کار و

سبب انجام آن، منوط به قضا و قدر خداوند متعال است.
 دوم: راحت روح و جان و اطمینان قلب؛ وقتی انسان بداند که این قضا و قدر خداست و مکروه و شر و بدی حتماً وجود دارد، جان و روح او آسوده خواهد شد و قلب او به قضا و قدر، اطمینان پیدا خواهد کرد. بنابر این هیچ کس زندگی اش بهتر و روح و جانش پاک تر و اطمینانش قویتر از فردی که ایمان به قضا و قدر دارد، نیست.

سوم: دور کردن غرور و خودپسندی از روح و جان هنگامی رسیدن به آرزو و هدف؛ زیرا آن نعمت از تقدیر و سرنوشت خداست که به دست آوردنش فقط با مُهیا نمودن اسباب خیر ممکن است و پیروزی از جانب خداوند بوده است. در این جا خدای را به خاطر نعمتش شکر و

سپاس می گوید و از غرور، خودپسندی و خودبینی، دوری و اجتناب می ورزد.

چهارم: دوری از بی تابی و پریشانی در باره نرسیدن به هدف و آرزویی، یا واقع شدن شر و بدی؛ زیرا آن [ناکامی] از قضا و قدر باری تعالی است (کسیکه مالک آسمان ها و زمین است) و آن هم ناگزیر واقع خواهد شد، پس صبر و شکیبایی می کند بر آن سختیها، اجر و پاداش را از خداوند می طلبد. خداوند می فرماید: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلُ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ لَّيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (الحديد ۲۲ - ۲۳).

[هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد مگر این که همه آنها قبل از آفرینش زمین در لوح محفوظ ثبت است، و این امر برای خداوند آسان است. این به خاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید، و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد].

در پایان، از خدای تعالی می خواهیم تا ما را بر این عقیده، ثابت و استوار گرداند، و ثمره آنرا به ما برساند، و از فضل خود بر ما زیاد فرماید، و قلب ما را بعد از هدایت منحرف نگرداند، و از

رحمت خود به ما عطا فرماید .

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على
نبينا محمد وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم
بإحسان.

بقلم مؤلف: محمد بن صالح العثيمين

۳۰ / شوال / ۱۴۰۴ هـ . ق

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqedeh.com